

The Semantic Network of the Prepositions in the Motion Event: Case Study of the Preposition إلى

Fatemeh Habibi * 

Postdoctoral Quranic and Hadith Sciences researcher, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Alzahra University, Tehran, Iran

Fathyieh Fattahizadeh 

Professor of Quranic and Hadith Sciences, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

This study represents the Motion Event in the verb of going in the Holy Quran, based on the structure semantic network of the preposition إلى /ila/(towards). This study aims to examine the verb of going and the preposition of إلى (towards) on semantic network based on Tolmy's Motion theory. In collecting said corpus, 88 verbs were extracted from verses consisting of the deep structure of the verb "going"; The relevant samples were collected and analyzed. The results showed that, the preposition of إلى has the most frequent usages. This preposition represents the end-destination concept, however, its usage is not limited in this sense. Also new concepts of direction (within, outside, high) and state (mental, physical) were encoded by this preposition. One of the results of this study, is representation semantic network of the position إلى, which causes the existing knowledge of this concept in the Holy Quran to be promoted.


Keywords: The Holy Quran; Cognitive linguistics ;The preposition إلى (towards); Semantic Network; the motion event of "going".


- The current article is taken from the post-doctoral research project with the title "The Systematic Interpretation of the Multi-semantic Verb to Go in the Holy Quran: A Cognitive Approach with an Emphasis on Talmi Opinions" with the support of Al-Zahra University.

* Corresponding Author: f.habibi@alzahra.ac.ir

How to Cite: Habibi, F., Fattahizadeh, F. (2021). The Semantic Network of the Prepositions in the Motion Event: Case Study of the Preposition إلى. *Language Science*, 8 (14), 89-117. Doi: 10.22054/ls.2021.54502.1370

شبکه معنایی حروف اضافه رویداد حرکتی «رفتن» در قرآن کریم: مطالعه موردی حرف «إلی»

فاطمه حبیبی *  پژوهشگر پسادکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

فتحیه فتاحی زاده  استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

چکیده

مقاله حاضر، پژوهشی معناشناختی است که رویداد حرکتی رفتن را در قرآن کریم، از جهت ساختار شبکه معنایی حرف اضافه «إلی» بررسی می کند. هدف این پژوهش، تحلیل رویداد حرکتی رفتن و دستیابی به شبکه معنایی حروف اضافه بر اساس نظریه رویداد حرکت تالمی بوده است. به همین منظور، ۸۸ فعل مشتمل بر ژرف ساخت «رفتن» در قرآن استخراج و تحلیل شده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که پرکاربردترین حرف اضافه به کاررفته با مفهوم رفتن، حرف «إلی» است؛ گرچه این حرف در معنای پیش نمون، مفهوم انتها، غایت و مقصد را باز نمود کرده است، اما کاربرد آن در آیات محدود به این معنا نبوده و مفاهیم جدیدی چون جهت (درون، بیرون، بالا) و حالات مختلف (روانی، جسمانی) به وسیله این حرف اضافه، رمزگذاری شده است. از جمله نتایج این پژوهش، بازنمایی شبکه معنایی حرف اضافه «إلی» است که سبب شده است دانش موجود از این مفهوم در قرآن کریم ارتقاء یابد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، زبان شناسی شناختی، حرف اضافه «إلی»، شبکه معنایی، رویداد حرکتی رفتن.

۱. مقدمه

شبکه معنایی، روش گرافیکی برای نشان‌دادن مفاهیم و دربردارنده مجموعه‌ای از روابط معنایی است. این نمودهای گرافیکی، به منظور بازنمایی مفاهیم و روابط بین معانی هستند (Evans & Green: 2005). پژوهش حاضر در چارچوب معناشناسی شناختی و بر اساس الگوی رویداد حرکت تالمی، می‌کوشد تا رویداد «رفتن» را به عنوان یکی از افعال حرکتی در قرآن کریم، بر مبنای داده‌های پیکره‌ای مورد بررسی قرار دهد و مشخص کند که از تحلیل مفهوم حرکتی «رفتن» در پیکره آیات قرآن، چه تصویری از شبکه معنایی حروف اضافه این رویداد حاصل می‌شود.

روش این پژوهش با تمرکز بر آیات قرآن کریم، پژوهشی پیکره‌بنیاد است و به شیوه کتابخانه‌ای، با بهره‌گیری از کتاب‌های المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم (۱۳۶۴)، فرهنگ موضوعی قرآن مجید (۱۳۶۹)، مدخل فعل «رفتن» بررسی و سپس، با استفاده از سایت المعانی و به کارگیری نرم‌افزار جامع تفاسیر نور (نسخه ۳)، پیکره مورد مطالعه مشتمل بر ۸۸ فعل با ژرف‌ساخت رفتن، مانند ذَهَبَ، خَرَجَ، بَثَّ و مانند آن، گردآوری شده است. در گام‌های بعدی با استفاده از تحلیل‌های شخصی و با دقت در کتب لغت و تفاسیر، آیات از جهت تبیین شبکه معنایی حروف اضافه رویداد حرکتی رفتن، مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش حاضر از این نظر حائز اهمیت است که اولاً گامی است در جهت شناخت پیچیدگی‌های زبان و ثانیاً استفاده از این روش می‌تواند در موارد مختلفی بر تفسیر اثرگذار باشد که تصدیق برداشت مفسران از آیات یا رفع تناقضات تفسیری، از جمله این موارد است. بررسی شبکه معنایی مفاهیم حرکتی «رفتن» یا «آمدن» به عنوان اصلی‌ترین کنش‌های بشری، که سالها است الگوهای واژگانی شدگی^۱ آنها در برخی زبان‌ها مانند انگلیسی، اسپانیایی و چینی مورد پژوهش زبان‌شناسان قرار گرفته، بستر مناسبی برای نیل به اهداف مذکور است.

۲. پیشینه پژوهش

موضوع اصلی پژوهش حاضر مبتنی بر نظریه تالمی در زبان‌شناسی شناختی است، لذا در بخش پیشینه، صرفاً به مطالعات مرتبط با این نظریه اشاره می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که طبق بررسی‌هایی که بر پیشینه پژوهش انجام شده، موضوع حرکت یکی از

موضوعات مورد استقبال پژوهشگران است. گذشته از پژوهش‌های فلسفی و روان‌شناختی که درباره حرکت انجام گرفته است (Newton, 1997; Zacs, 2000; Brauli, 2012; Frog, 2010; Slims, 2010)، زبان‌شناسان پیش از تالمی نیز رویداد حرکت را از جهات مختلف بررسی کرده و نظریات متفاوتی ارائه نموده‌اند، از جمله دستور حالت و توصیف زیرساختِ افعال (Fillmor, 1968)؛ مفهوم‌سازی حرکت مبتنی بر نقش زمان در رویداد حرکت (Langacker, 1987)؛ نظریه معنائشناسی قالب (Fillmor, 2006)؛ وجود فرازبان معنایی طبیعی (Goddard, 2011; Wierzbicka, 1996).

تفاوت نظریه تالمی با مطالعات پیشین آن است که تالمی در نظریه خود، رویداد حرکت را اولاً یکی از بازنمودهای زبانی مقوله‌های جهانی می‌داند، ثانیاً موضوع حرکت را به عنوان مسیری برای رسیدن به نظریه قرار داده است (مسگرخویی، ۱۳۹۲: ۶۱؛ افراشی، ۱۳۹۵: ۱۰-۱۳). تالمی در کتاب دو جلدی خود با عنوان *به سوی معنائشناسی شناختی* (Talmy: 2000) به تعریف معانی شناختی می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه زبان، مفهومی را در سطح عمومی به کمک تجزیه و تحلیل مجموعه‌ای از عناصر مشتمل بر حوزه‌های مفهومی خاص، مانند فضا، زمان، مکان، حرکت و نیرو سامان‌دهی می‌نماید. وی در جلد دوم این کتاب، به چگونگی ارتباط صورت و معنا می‌پردازد و معتقد است واژگانی‌شدگی عبارت است از وابستگی سامان‌مند جزء معنایی با تکواژ (Talmy: 2000). اسلوبین^۱ (۱۹۹۶؛ ۲۰۰۰) با الهام از آراء تالمی و با رویکردی تطبیقی به مقایسه بازنمود رویداد حرکت در زبان‌های مختلف پرداخته که در قالب کتابی دو جلدی با عنوان *رویدادها در گفتار زبانی* به چاپ رسیده است. همچنین، نس^۲ (۲۰۰۷) و فرز^۳ (۲۰۰۸) در آثار خود به روش‌های متنوعی که زبان‌ها برای رمزگذاری عناصر معنایی در سطح واژگان دارند، پرداخته‌اند.

در مطالعات مرتبط با رویداد حرکت، از میان ۲۶۲ مقاله در پایگاه اسکوپوس، یک مورد یافت شد که به مطالعه در زمینه رویداد حرکت با رویکرد تالمی پرداخته و از این میان ۲۰ پژوهش، حروف اضافه را مورد بررسی قرار داده‌اند که در ادامه به جدیدترین مقالات اشاره کوتاهی می‌شود. تالمی (۲۰۱۶) در جدیدترین اثر خود با عنوان *ویژگی‌های فعل اصلی* به

1. Slobin, D.

2. Ness, L.

3. Freze, M.

اشکالات مطرح شده توسط اسلوبین (۲۰۰۴)، در خصوص اینکه برخی زبان‌ها در هیچ یک از طبقه‌بندی‌های زبانی تالمی (فعل‌بنیاد/ تابع‌بنیاد) قرار نمی‌گیرند، پاسخ داده است. تالمی معتقد است ویژگی‌هایی وجود دارند که در زمره مشخصه‌های فعل در گزاره محسوب می‌شوند و یکی از آنها نحوه ارتباط فعل با حروف اضافه برای بازنمود مسیر و شیوه در روستاخت زبانی است. حروف اضافه گاه مسیر و گاه شیوه را در زبان بازنمود می‌کنند. اسلوبین (۲۰۰۴) قسم سوم را برای دسته‌بندی زبانی تالمی معرفی کرده که از ادغام دو دسته قبلی حاصل می‌شود، اما این موضوع در مقاله تالمی (۲۰۱۶) مورد نقد است. در این پژوهش، تالمی نشان می‌دهد که زبان‌های اشاره شده اسلوبین، همچنان در یکی از دو دسته قبلی (فعل‌بنیاد/ تابع‌بنیاد) قرار می‌گیرند.

فان اشتوتهم^۱ و همکارانش (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تطبیقی، نقش فضا/زمان را در رویداد حرکت و مقوله‌بندی‌های موجود در زبان عربی معیار (مدرن) و عربی تونسسی بررسی کرده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، هر دو گونه زبانی مقوله فضا/زمان را متفاوت از دیگری کدگذاری می‌کنند و عربی تونسسی برخلاف عربی معیار، بازنمودهای روستاخت کمتری را برای بیان حرکت از طریق حروف اضافه نشان می‌دهد. اسپاورل^۲ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان ساختار مفهومی عبارات حرکت فضایی در زبان چینی، علاوه بر پرداختن به نقش عناصر زبانی، حروف اضافه‌ای که در زبان چینی، مفهوم مکانی را بازنمایی می‌کنند، مطالعه کرده است. پژولپیت^۳ (۲۰۱۸) هم در مقاله خود، پیشوندها و حروف اضافه: مطالعه تاریخی، حروف اضافه زبان اسپانیایی را از حیث تاریخی بررسی نموده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زبان کهن اسپانیایی در برخی حروف اضافه و پیشوندها و امدار زبان لاتین بوده و در دوره‌های متأخر به ویژه قرن نوزده و بیست، ارتباطات زبانی آن با زبان‌های فرانسوی و ایتالیایی سبب ورود الفاظ ویژه و تکثیر پیشوندها در اسپانیایی شده است.

در میان مطالعات پژوهشگران ایرانی، می‌توان مطالعات فراوانی را مشاهده نمود که از زوایای مختلف به بررسی رویداد حرکت پرداخته‌اند؛ مانند ازکیا^۴ (۲۰۱۱)، حامدی و شریفی (۲۰۱۳)، مسگرخویی (۲۰۱۳) و همتی (۲۰۱۵). این پژوهش‌ها پس از بررسی فعل‌های

1. Stuttham, F.
2. Sparoul, M.
3. Pegulpiet, L.
4. Azkia, N

حرکتی در پیکرهٔ عموماً زبان فارسی، عناصر دخیل در رویداد حرکت مانند توابع، مسیر، شیوه و نقش شناخت مؤلفه‌های حرکت در کیفیت ترجمه را مطالعه کرده‌اند. جهت رعایت اختصار در ادامه، تنها به مواردی اشاره می‌شود که حروف اضافه را در رویداد حرکت، موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند.

گذشته از پژوهش‌های فراوان، پژوهشگران ایرانی دربارهٔ حروف اضافه در زبان‌های مختلفی مثل فارسی، عربی و انگلیسی (گنجی و کاظمی، ۱۳۹۱؛ راسخ‌مهند و رنجبر، ۱۳۹۲؛ غیاثیان و فلاحی، ۱۳۹۳؛ کرمی، ۱۳۹۵؛ بامشادی، ۱۳۹۶؛ مظفری، ۱۳۹۷؛ رادفر، ۱۳۹۸؛ وسام، ۱۳۹۸) انجام شده است. مطالعاتی نیز در حوزهٔ قرآن کریم با رویکرد زبان‌شناسی شناختی به انجام رسیده است. مرتضی قائمی‌نیا (۱۳۹۰) در کتاب *معناشناسی شناختی قرآن*، به بررسی تفسیرگونهٔ آیات با رویکرد شناختی پرداخته و در فصل پنجم، موضوع شبکه‌های شعاعی در قرآن و به طور خاص مفهوم‌سازی حروف اضافه را مطالعه کرده است. مقالهٔ بررسی شبکه‌معنایی حرف اضافه فی و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم از ایمانی و منشی‌زاده (۱۳۹۴)، حرف اضافهٔ «فی» را که در زمرهٔ حروف اضافی مکانی است، مورد بررسی قرار داده و علاوه بر اشاره به رویکرد متقدمان به حرف اضافه، شبکه‌معنایی آن را ترسیم و ۱۳ معنای جدید با رویکرد شناختی برای آن ذکر کرده‌اند.

کریمی بروجنی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله *بازنمایی طرحوارهٔ نیرو در گزاره‌های دینی اخلاقی زبان قرآن*، علاوه بر معرفی طرحواره‌های اجبار، مانع، تغییر مسیر و مانند آن در آیات اخلاقی قرآن، به نقش حرف اضافهٔ «الی» در فعل‌های «حَبَّبَ» و «رَغَبَ» در طرحوارهٔ جذب و کشش پرداخته‌اند. مشکین فام و دهقانی (۱۳۹۷) در مقاله *بررسی شناختی حرف اضافهٔ تَمَّ در قرآن*، به مطالعهٔ حروف اضافه قرآنی پرداخته و شبکهٔ معنایی حرف اضافهٔ «تَمَّ» را تبیین کرده‌اند. بر اساس این پژوهش، معنای سرنمون حرف اضافهٔ تَمَّ مفهوم فاصله مکانی است، اما در شبکهٔ شعاعی، ترتیب زمانی فاصله‌دار و مفاهیم رابطه صعودی و نزولی میان رخدادها نیز مشاهده شده است.

حرف اضافهٔ «علی» در قرآن کریم توسط حسومی و توکل‌نیا (۱۳۹۷) مطالعه شده و نتایج آن در مقاله *بررسی شبکه‌معنایی حرف اضافهٔ علی در قرآن با رویکرد شناختی*، نشان می‌دهد این حرف اضافه با معنای سرنمون استعلاء، از طریق استعارهٔ مفهومی وارد حوزهٔ مفهومی نوینی شده و شبکه‌ای از معانی مختلف را تولید کرده است.

در میان پژوهش‌های مرتبط با قرآن کریم، تنها پایان‌نامه کارشناسی ارشد میرخالقداد (۱۳۹۷) با عنوان کیفیت مفهوم‌سازی رویدادهای پویا و ایستا در قرآن با رویکرد شناختی مشاهده شد که نظریه نوین تالمی را درباره رویداد حرکت، مبنای مطالعات خود قرار داده است. محتوای اصلی این پژوهش مبتنی بر بررسی افعال حرکتی در قرآن است و تنها در بخشی از فصل چهارم، به شکل مختصر به چند مورد از حروف اضافه که نقش قمر را در افعال حرکتی داشته‌اند، پرداخته است.

بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد تاکنون در حوزه شبکه معنایی حروف اضافه در افعال حرکتی قرآن کریم، پژوهش مستقلی انجام نشده است و موضوع مقاله از این جهت بدیع و بدون پیشینه است و این مقاله می‌تواند یکی از مهم‌ترین و جدیدترین چشم‌اندازهای پژوهشی آتی را پیش روی پژوهشگران قرار دهد.

۳. مبانی نظری

لئونارد تالمی^۱ زبان‌ها را بر مبنای کاربرد شیوه و مسیر در ریشه یا توابع آن یعنی حرف اضافه، قید یا گروه اسمی، به دو دسته تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد طبقه‌بندی می‌کند. در نظریه تالمی مسأله اصلی، چگونگی بازنمایی شیوه و مسیر حرکت در روساخت زبان است؛ به این ترتیب که اگر مسیر حرکت، در ریشه فعل بازنمایی شود در زمره زبان‌های فعل‌بنیاد قرار می‌گیرد، مانند زبان‌های اسپانیایی و فرانسوی، ولی اگر فعل در ستاک خود، شیوه حرکت را بازنمود کند و عنصر مسیر در توابع قرار گیرد، مانند انگلیسی و آلمانی، آن زبان را تابع‌بنیاد می‌نامد (Talmy: 2000). در ادامه، دو مفهوم کاربردی این پژوهش، یعنی حرکت و حرف اضافه، معرفی می‌شوند.

۳-۱. رویداد حرکت

حرکت، مفهومی جهانی است که با عناصر متفاوتی در روساخت زبان‌های گوناگون بازنمایی می‌شود. رویداد حرکت در نظریه تالمی عبارتست از شرایط یا حالتی که عنصر متحرک یعنی پیکر، دارای حرکت یا توالی موقعیت‌های مکانی مختلف است و عنصر اصلی تشکیل‌دهنده گزاره‌ها به منظور بیان رویداد، فعل هر رویداد است؛ لذا بررسی فرایند بازنمایی

1. Talmy, L.

حرکت و مؤلفه‌های آن بر مبنای ریشه فعل، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Talmy: 2000).

در رویداد حرکت، دو گروه از عناصر وجود دارد: نخست عناصر روستاخت که همان واژگان ملفوظ هر زبان است و برای انتقال مفاهیم حرکتی به کار می‌رود؛ دیگر عناصر ژرف ساخت یعنی مفاهیم حرکتی است. رویداد حرکت در نظریه الگوی واژگانی شدگی تالمی مشتمل بر ۶ مؤلفه است:

۱. پیکر^۱: موجودیتی با قابلیت تحرک در رویداد حرکت است و نسبت به زمینه حرکت می‌کند یا تداوم سکون دارد.
 ۲. مسیر^۲: جهت حرکت پیکر نسبت به زمینه است.
 ۳. جزء حرکتی^۳: همان فعل حرکتی است که مفهوم حرکت را بدون در نظر گرفتن سایر مؤلفه‌های معنایی بازنمایی می‌کند.
 ۴. زمینه^۴: به عنوان چارچوب و قالبی مرجع، برای تعیین مسیر حرکت پیکر یا مکان آن است.
 ۵. شیوه^۵: همان روش به انجام رسیدن حرکت است.
 ۶. سبب^۶: هرآن چیزی است که عامل وقوع حرکت است (Talmy: 2000).
- در زبان فارسی، عموماً پیکر در فاعل، جزء حرکتی در فعل، زمینه در گروه حرف اضافه، مسیر در تابع و شیوه در قید یا گروه حرف اضافه بازنمایی می‌شود (مسگرخویی، ۱۳۹۲).
- عناصر مذکور در قالب مثالی در جدول ۱، نشان داده شده است.

جدول ۱. تبیین مؤلفه‌های رویداد حرکت در قالب مثال

احمد	از	خانه	تا	در مانگاه را	سریع	دوید
پیکر	مسیر (مبدأ)	زمینه	مسیر (طول مسیر)	مسیر (مقصد)	شیوه	جزء حرکتی

در قرآن کریم، هر دو نوع افعال حرکتی مشاهده می‌شود؛ نوع اول فعل‌های شیوه‌نما است که شیوه حرکت را در بنیان فعل و مسیر حرکت پیکر را در توابع (گروه اسمی، قید و حرف

1. Figure
2. Path
3. Motion
4. Ground
5. Manner
6. Cause

اضافه) بازنمایی می‌کنند، مانند فعل «تَفَجَّرَ» در آیه حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا (البقرة: ۱۴) که به معنای شکافتن سد یا مانع و بیرون آمدن است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۹۸) و در اینجا شیوه حرکت، یعنی شکافت و برداشتن مانع و حرکت کردن، در ستاک فعل وجود دارد و مسیر حرکت یعنی «مِنَ الْأَرْضِ» در گروه اسمی بازنمود یافته است. نوع دوم افعال حرکتی در قرآن کریم، فعل‌های مسیرنما است که مسیر حرکت را در ستاک فعل، واژگانی می‌کنند، مانند آیه وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (الزلزال: ۲) که فعل مسیرنمای «أَخْرَجَ» به معنای بیرون آوردن، جهت و مسیر حرکت پیکر را در ستاک خود بازنمایی می‌کند.

بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد علاوه بر دو گونه مذکور از افعال مسیرنما و شیوه‌نما، در قرآن کریم فعل‌هایی یافت می‌شوند که هر دو مؤلفه مسیر و شیوه را همزمان در ستاک فعل دارند؛ مثلاً فعل «سَبَقَ» در آیه وَ اسْتَبَقَا الْآبَابَ (یوسف: ۲۵) در اصل لغت به معنای پیشی گرفتن و به سرعت جلو رفتن چیز نسبت به یکدیگر است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵: ۳۴۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ۵: ۴۱). به این ترتیب، هر دو مؤلفه مسیر (حرکت به سمت جلو) و شیوه (حرکت با سرعت) در بن فعل مشاهده می‌شود.

۲-۳. حرف اضافه

تالمی در پژوهش‌های خود، پس از تقسیم‌بندی ساختار زبانی رویداد حرکت به عناصر شش‌گانه و اشاره به مهمترین مؤلفه‌های آن، یعنی مسیر و شیوه، زبان‌های موجود را بر اساس اینکه کدام ساختار حرکتی در آن‌ها کاربرد دارد، به دو گونه فعل‌بنیاد و تابع‌بنیاد رده‌بندی کرده است (Talmy, 2000: 217-219). توصیف جزئیات مسیر در زبان‌های تابع‌بنیاد، در بند با استفاده از نحو و گروه حروف اضافه و قید ممکن است، ولی در زبان‌های فعل‌بنیاد، توصیف جزئیات مسیر به تنهایی با استفاده از یک فعل رخ می‌دهد (Slobin & Berman, 1994: 119).

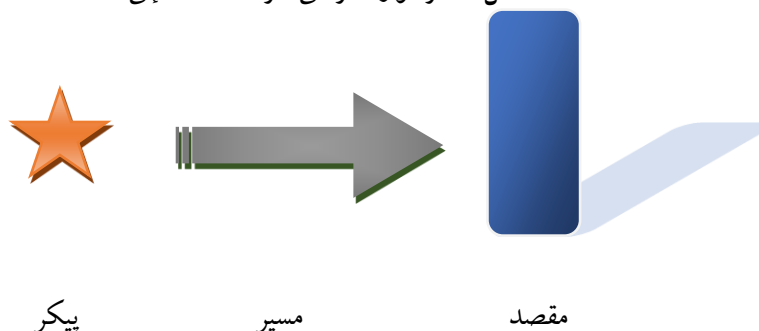
حروف اضافه از منظر زبان‌شناختی، به عنوان مؤلفه رمزگذار در زبان، برای بازنمود موقعیت اشیاء در فضای پیرامونی محسوب می‌شوند (Lee, 2001: 3) و از جمله نمونه‌های روشن چندمعنایی در زبان به شمار می‌روند (کرمی، ۱۳۹۵: ۴۸). سابقه بررسی حروف اضافه در زبان عربی را می‌توان هم‌عصر با دوره دستورنویسی دانست (خیام‌پور، ۱۳۷۲: ۱۲-۱۳) و از آنجا که رویکرد این پژوهش، بررسی شبکه معنایی حروف اضافه و چگونگی بازنمود آن‌ها است، لذا سایر رویکردها درباره حروف اضافه و همچنین، وجوه مختلف توابع، اعم از قمر،

قید و مانند آن، مورد اشاره قرار نمی‌گیرد. نکتهٔ دیگر اینکه قالب‌های روساخت در توابع، عموماً با سایر مقوله‌های دستوری مانند حروف اضافه، همپوشانی دارند و گاه قابل تفکیک از یکدیگر نیستند (Talmy, 2000: 64). در هر صورت، این موضوع به مؤلفهٔ مقصد در این پژوهش خللی وارد نمی‌سازد، زیرا تمرکز مقالهٔ حاضر بر حرف اضافهٔ «الی» است.

در رویکرد معناشناسی شناختی، تحلیل دقیق و جامعی از حروف اضافه ارائه شده و در آن به جای معنا از شبکهٔ شعاعی معنا^۱ سخن به میان آمده است. در این تحلیل، یک معنا به عنوان معنای پیش‌نمون^۲ در مرکز و سایر معانی، پیرامون معنای اولیه شکل می‌گیرند؛ به این ترتیب شبکه‌ای از معانی حاصل می‌شود که به شبکهٔ شعاعی معروف است (Lakoff, 1987: 416؛ قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۷۵).

معنای پیش‌نمون^۳ حرف اضافهٔ مورد بررسی در این پژوهش، یعنی «الی» حرکت به سوی انتهای غایت و مقصد نهایی است (جاسم، ۲۰۰۳: ۲۱۲). به بیان دیگر، معنای کلی حرف اضافهٔ «الی» حرکت به سوی یک مقصد است که می‌تواند علاوه بر معنای حرکت فیزیکی و مکانی بر معانی استعاری و انتزاعی، مانند انتهای زمان نیز به کار رود (Ryding: 2005). این معنای اولیه در طرحوارهٔ زیر نمایش داده شده است:

شکل ۱. طرحوارهٔ حرکتی حرف اضافهٔ «الی»



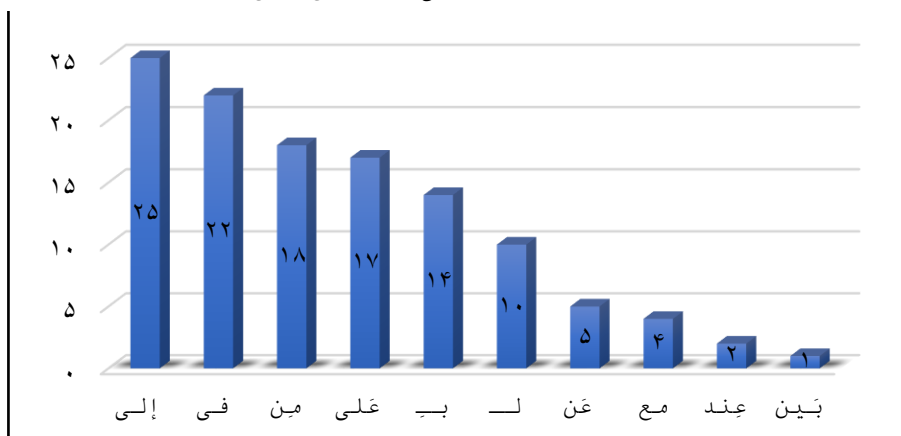
1. Radial Network of Semantic

2. Prototype

۳. مهم‌ترین ویژگی‌های دستیابی به معنای پیش‌نمونهٔ هر واژه عبارتند از: ۱. اولین معنای متبادر به ذهن؛ ۲. پربسامدترین معنا؛ ۳. قدرتمندترین معنا برای تبیین (Geeraerts: 2006).

در این حرکت، پیکر از مبدأ به سوی مقصد حرکت می‌کند، اما تمرکز فعل بر مقصد حرکت پیکر است، لذا مقصد را با حرف اضافه «إلی» در روستاخت، واژگانی می‌کند. پیش از پرداختن به معانی حرف اضافه «إلی»، لازم است بیان شود که علت انتخاب این حرف اضافه، بیشترین بسامد و کاربرد آن در قرآن است. برای دستیابی به این اطلاعات مبنایی که ادامه و پیشبرد مقاله بر آن استوار است، همه افعال مشتمل بر مفهوم رفتن استخراج و از جهت نحوه کاربرد تمامی حروف اضافه، مورد بررسی قرار گرفته و به این ترتیب، حروف اضافه فعل «رفتن» یعنی آیاتی که ۸۸ فعل با مفهوم مذکور در آن‌ها وجود داشته، یک به یک بررسی شده است تا نوع و تعداد حروف اضافه آن‌ها به دست آید و نتیجه آن در نمودار ۱، قابل مشاهده است.

نمودار ۱. بسامد حروف اضافه در فعل‌های حرکتی «رفتن» در قرآن



نتایج فوق نشان می‌دهد در فعل «رفتن» که خود یک فعل مسیرنما است، مقصد حرکت، با بیشترین بسامد (۲۵ بار) به وسیله حرف اضافه «إلی» بازنمایی شده است. به علاوه، حرف اضافه پرسامد بعدی یعنی «فی» زمانی که با فعل رفتن همراه می‌شود، دارای مفهوم مقصد است و رفتن به درون یک مکان (مقصد) را واژگانی می‌نماید. از میان عناصر مسیر حرکت پس از مقصد، مفهوم مبدأ به وسیله حرف اضافه «مین» بیشترین کاربرد را نشان می‌دهد، اما از آنجا که بررسی شبکه معنایی هر کدام از حروف اضافه مذکور، نیازمند پژوهشی مستقل است، لذا از بین این حروف اضافه، «إلی» که بیشترین با هم‌آیی را با افعال حرکتی رفتن دارد، برای این مقاله انتخاب شده است.

۴. یافته‌ها

امروزه بسیاری از پژوهش‌های زبانشناختی با استفاده از پیکره‌های زبانی صورت می‌گیرد، زیرا پیکره متنی یکی از مهم‌ترین داده‌های ورودی در پردازش زبان به شمار می‌رود و براساس آن می‌توان شبکه معنایی را ترسیم نمود. چنانکه در بخش مبانی نظری اشاره شد، بر اساس الگوی واژگانی‌شدگی تالمی، یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در رویداد حرکت، مسیر است و خود، عناصر سه‌گانه مبدأ، مقصد و جهت حرکت را در برمی‌گیرد. در این بخش، ابتدا دیدگاه کلاسیک در خصوص حرف اضافه «إلی» به شکل خلاصه اشاره می‌شود و سپس، چگونگی کاربرد آن در مفهوم شناختی به همراه شواهدی از پیکره، بیان می‌شود.

۴-۱. حرف اضافه «إلی» در رویکرد کلاسیک

در منابع اولین زبان عربی برای حرف اضافه «إلی» هشت معنا برشمرده‌اند (ابن هشام، ۱۴۰۴، ۱: ۴۸۹-۴۹۰) که عبارتند از:

- ۱- انتهای غایت زمان (البقره: ۱۸۷) و مکان (الإسراء: ۱)؛
- ۲- معیت در صورت انضمام دو چیز به یکدیگر (آل عمران: ۵۲)؛
- ۳- تبیین: إلی در این حالت مبین فاعل است و ضمیر بعد، معنای فاعلی به خود می‌گیرد: (یوسف: ۳۳)؛
- ۴- مترادف حرف لام در معنای اختصاص: (النمل: ۳۳)؛
- ۵- مترادف حرف فی ظرف مکان/زمان: (الأنعام: ۱۲)؛
- ۶- ابتداء به معنای من و ابتدای غایت: أ یَسْقَى فِلا یُرَوِّی إلیَّ إِبْنِ أَحْمَرَ؟^۱؛
- ۷- مترادف حرف عند به مفهوم مکان^۲: (الحج: ۳۳)؛
- ۸- تأکید با شرط زائد بودن حرف إلی^۳: (ابراهیم: ۳۷).

۱. در شعر مذکور إلی در معنای من است یعنی از من: آیا آن ناقه شتر آب می‌نوشد و ابن احمر از من سیر نمی‌شود؟

۲. در این آیه منظور از إلی مفهوم مکانی است که با معنای بیت عتیق (خانه کعبه) نیز متناسب است (صفایی، ۱۳۸۷، ۱: ۱۶۲؛ ایمانی، ۱۳۹۵: ۲۱۹).

۳. فعل تهوی بدون حرف اضافه إلی متعدی می‌شود، لذا إلی در این آیه زائد است و معنای تأکیدی دارد (اصفهان‌ی، ۱۳۹۰، ۱: ۲۵۹).

به این ترتیب مشاهده می‌شود که بر اساس دیدگاه کلاسیک حرف اضافه‌یِ اِلی، علاوه بر معنای مکان، زمان، معانی دیگری مانند معیت را نیز به خود گرفته است.

۲-۴. معانی حرف اضافه‌یِ اِلی در مفاهیم حرکتی رفتن

پس از بررسی حروف اضافه‌یِ افعال حرکتی با مفهوم رفتن در آیات قرآن، مشخص شد که از میان این ۸۸ فعل، ۲۵ فعل هستند که حرف اضافه‌یِ اِلی در آن‌ها برای تبیین معانی مختلف وجود دارد و در این بخش، به تبیین این معانی پنجگانه پرداخته می‌شود. نکته‌ی قابل تأمل این است که در مواردی، معانی استخراج‌شده حرف اضافه‌یِ اِلی می‌توانند با یکدیگر همپوشانی داشته باشند؛ مثلاً دو مفهوم مکان و حرفِ عِنْد، در مورد مشترکی مشاهده شوند، اما در اینجا برای تبیین دقیق موضوع، به تفکیک ذکر شده‌اند.

۱-۲-۴. مکان

چنانکه در بخش مبانی نظری اشاره شد، مفهوم پیش‌نمون حرف اضافه‌یِ اِلی انتهای غایت مکانی یا زمانی است. در کاربرد مکانی آن در قرآن کریم، می‌توان به نمونه‌هایی از مفهوم غایت مکانی اشاره نمود.

۱-۱-۲-۴. دنیا

در قرآن موارد متعددی وجود دارد که به مکانی مشخص در دنیا به عنوان مقصد، به وسیله حرف اِلی اشاره می‌شود، اما خود دنیا نیز در مواردی، مقصد تلقی شده و با حرف اضافه‌یِ اِلی در آیاتی مانند (یس: ۵۰) و (شوری: ۴۴) مکانی برای بازگشت پیکر است. در این موارد، پیکر (انسان) برای بازگشت به مکان قبل خود، یعنی دنیا، تمایل دارد و این مفهوم در افعالی چون رَجَعَ (بازگشت به نقطه‌ی شروع حرکت) یا رَدَّ (بازگشت به عقب) که در اصل به معنای بازگشت به مکان اولیه و نقطه شروع حرکت است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲: ۳۸۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ۴: ۶۰) باز نمود یافته است.

در این موارد با استفاده از حرف اِلی که بر انتهاء غایت مکانی دلالت دارد، تبیین جدیدی از نوع نگرش و تفکر وهم‌آلود و خیالی پیکر نیز بازنمایی می‌شود. همانگونه که در آیات مختلف اشاره شده (المؤمنون: ۳۷)، (الأنعام: ۲۹) و (الجماعه: ۲۴)، منکران معاد به اشتباه، دنیا را مقصد اصلی و تنها هدف زندگی می‌بینند، نه گذرگاه و محل رسیدن به آخرت؛ لذا زمانی

که با مرگ مواجه می‌شوند، این باور و ملکه وجودی خود را در قالب الفاظ نیز بروز می‌دهند و چون دنیا را غایت خود می‌دانستند، لذا بازگشت به دنیا را به عنوان مطلوب غایی خود، طلب می‌کنند و در کاربرد حرفِ اِلی که نشان‌دهندهٔ انتهای غایت حرکت پیکر است، باز نمود دارد (الشوری: ۴۴).

۲-۱-۲-۴. شهر مکه (مَعَاد)

یکی دیگر از معانی مکانی حرف اضافهٔ اِلی در مفهوم مقصد، آیه لَرَأْدُكَ اِلی مَعَادِ (القصص: ۸۵) (یعنی مکه، زادگاه پیامبر) است. واژهٔ معاد به معنای مکان عود (بازگشت) است و خداوند در این آیه، به پیامبر اکرم (مؤلفهٔ پیکر) وعده می‌دهد که به زودی او را بعد از هجرت به مدینه، دوباره به مکه (مقصد) برمی‌گرداند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۴۲۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶: ۸۷). عدم اشاره به نام مکه و نکره آمدن واژهٔ مَعَاد برای این است که به عظمت این عود اشاره کند و نشان دهد این برگشت به مکه، قابل قیاس با شرایط قبل از هجرت (اذیت و آزار مشرکان، قتل پیروان، کمبود منابع مالی) در مکه نیست، چنانکه تاریخ هم این معنا را تصدیق می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶: ۸۷).

با در نظر گرفتن مکی بودن سوره و توجه به محتوا و آیات ابتدایی سورهٔ قصص که به ماجرای نابودی فرعون و ارث‌بردن زمین توسط مستضعفان (القصص: ۵-۳) پس از آزمون‌های شدید و دوره‌های طولانی و سخت هجران و دوری از وطن اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶: ۸۷)، می‌توان گفت حرفِ اِلی در این آیه صرفاً بر یک نقطهٔ پایانی در انتهای مسیر حرکت پیامبر (ص) پس از هجرت دلالت نمی‌کند، بلکه مقدمات و لوازم رسیدن به مقصد را نیز در برمی‌گیرد؛ زیرا اولاً این آیه وعدهٔ الهی بر عود و بازگشت به وطن است؛ ثانیاً باید مقدمات فتح مکه فراهم شود تا بازگشت به مَعَاد در عمل واقع شود. به این ترتیب، در مفهوم اِلی علاوه بر رسیدن به مکان غایی، یعنی مکه، مسیری که طی می‌شود نیز در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی در روستا، ساخت، علاوه بر رسیدن پیکر به مقصد، طول مسیر حرکت نیز باز نمود می‌شود.

علاوه بر مفاهیم حقیقی و حرکت فیزیکی، در این پژوهش مفاهیم انتزاعی حرکت که در قالب افعال حرکتی، اما از طریق استعارهٔ مفهومی در زبان باز نمود می‌یابند نیز، مورد بررسی قرار گرفته است. در نمونه‌های زیر مواردی ذکر می‌شود که در آن یا حرکت پیکر، به سوی مقصد از سنخ حرکت استعاری است و یا مقصد از طریق مفاهیم استعاری باز نمود یافته است.

۴-۲-۱-۳. حرکت به سوی خدا

در بسیاری از آیات قرآن با استفاده از افعال حرکتی چون رَجَعَ (البقره: ۱۵۳ و ۲۸۱)، رَفَعَ (آل عمران: ۵۵)، ذَهَبَ (عنکبوت: ۲۶)، رَدَّ (جمعه: ۸)، أَوْبَ (الغاشیه: ۲۵)، عَرَجَ (السجده: ۵) و مانند آن، با همراهی حرفِ اِلِی، حرکت پیکر در روساخت، از مبدأ به سوی مقصد انتزاعی و غیرمادی بازنمایی شده است. هر یک از این افعال با توجه به معنای لغوی خود، مفهوم ویژه‌ای از رفتن و حرکت پیکر، به سوی پروردگار را نشان می‌دهند. همه افعال مذکور هم از حیث معنای لغوی با استفاده از کتب معاجم و هم از جهت مفهوم حرف اضافه اِلِی بررسی شده‌اند، اما به جهت رعایت اختصار در مقاله، به ذکر چند مثال بسنده می‌شود.

در آیه ۵ سوره سجده، مراد از سماء، نه آسمان دنیا، بلکه نشان‌دهنده احاطه، حضور و قرب خداوند نسبت به همه چیز و محل تدبیر امور زمین و زمینیان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶: ۲۴۷). بر اساس آیه مذکور خداوند، تدبیر زمین را از موطن خاصی که سماء نامیده، آغاز می‌کند و در نهایت، در همان موطن نیز به پایان می‌رساند؛ یعنی عروج به سوی او نیز از همان طریقی است که از آن آغاز شده بود. پس سماء (محضر قرب الهی) در اینجا مبدأ حرکت است و زمین مقصد و اگر بازگشتی در کار باشد، باید بر عکس همین حرکت رخ دهد، یعنی از زمین به سماء. البته همین طور نیز هست، اما از آنجا که این رویداد حرکتی با تعبیر یَعْرُجُ اِلَیْهِ به کار رفته است و فعل عَرَجَ در اصل لغت به معنای بالارفتن تا آخرین مرتبه و صعود تا نهایت درجه ممکن است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۸: ۷۶)، لذا مفهوم دقیق‌تری از بازگشت امور به سوی خداوند را بازنمایی می‌کند و علت عدم به کاررفتن افعال دیگر را نیز، مانند یرفع یا یذهب، مشخص می‌نماید. به عبارت دیگر طبق این آیه، تدبیر^۱ امور عالم امری متحرک و حرکت آن دائمی و پیوسته است و از مبدأ حرکت (محضر ربوبی) آغاز (مسیر حرکت به سمت پایین) و در قیامت دوباره به مقصد (محضر ربوبی) که همان مبدأ اولیه است، باز می‌گردد، مؤید این حرکت، در آیه هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ (الحدید: ۳) مشاهده می‌شود. در این حرکت مستمر، عروج را نقطه پایان تدبیر معرفی می‌کند و به این ترتیب، کار تدبیر با بازگشت از نوع بالا رفتن (به سبب احاطه که مفهوم تسلط از بالا را می‌رساند)

۱. تدبیر از ریشه «دبر» به معنای دنباله است و تدبیر الهی به این معنا است که چیزی را پشت سر چیز دیگر قرار دهد یا دستوری را به دنبال فرمانی دیگر بفرستد؛ معنای تدبیر خداوند متعال در آیه مورد بحث عبارتست از وقوع حوادث عالم یکی پس از دیگری، پشت سرهم و متصل بین سماء و ارض (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹: ۲۷۲).

در قیامت به پایان می‌رسد؛ لذا بر خلاف تصور رایج از اِلِی که نوعی مسیر افقی/خطی را در ذهن ترسیم می‌کند، باهم آبی این حرف اضافه و فعل یَعْرُجُ نشان از به سمت بالا رفتن تا منتها درجه ممکن است.

در بسیاری از آیات آمده که انسان، اعم از مؤمن و کافر، مقصد نهایی‌شان محضر پروردگار است (البقره: ۲۸، ۴۶، ۱۵۶، ۲۴۵، ۲۸۱) یا قیامت لنگرگاه و محل توقف جهان است (النازعات: ۴۲). نکته جالب توجه این است که افعالی برای مفهوم بازگشت انسان به مقصد نهایی به کار رفته است که مفهوم رسیدن به نقطه اولیه حرکت را در بن و ستاک فعل بازنمود می‌کنند، مانند رجع (بازگشت به نقطه شروع)، ردّ (بازگشت به عقب)، اوب (بازگشتن به مقصد نهایی) (عسکری، بی تا، ۱: ۲۹۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲: ۳۸۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ۴: ۶۰). به این ترتیب، حرف اضافه اِلِی می‌تواند همزمان بر مبدأ و مقصد دلالت کند و پیکر، زمانی که به حرکت خود پایان می‌دهد، خود را در نقطه آغاز مسیر می‌یابد و به عبارتی، مبدأ حرکت بر مقصد آن انطباق یافته است.

در افعال مذکور میان نوع حرکت مؤمن و کافر تفاوت وجود دارد؛ در حرکت انسان گنهکار یا کافر، از فعل‌هایی استفاده شده که شیوه بازگشت انسان کافر را در قالب بازگشت با کراهت (الأنعام: ۶۲)، بازگشت با دگرگونی و عجز (العنکبوت: ۲۱) و بازگشت با اجبار و تحقیر (القیامه: ۳۰) بازنمود می‌کند؛ مانند فعل‌های یُرَدّ (عسکری، بی تا، ۱: ۱۰۷) و یُقَلَّب (راغب، ۱۴۱۲: ۶۸۱)، ولی برای مؤمنان از این افعال استفاده نشده، بلکه مفاهیمی چون هدایت الهی، بخشش و آمرزش به کار رفته است؛ به عنوان نمونه در آیه ۱۵۶ سوره اعراف، برای مرگ و بازگشت به سوی خداوند، از فعل هَلَدْنَا از ریشه هاد، به معنای طریقی را با رفق و مدارا طی کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۴۶) استفاده شده و نشان می‌دهد بازگشت مؤمنان به سوی خداوند که از دنیا آغاز می‌شود (همان سلوک و پیروی از راه فطرت توحیدی) آدمی را به حیات طیبه در آخرت هدایت می‌کند و به عبارت دیگر، حیات طیبه از آثار بازگشت به سوی خداوند و متناسب با کلمه «وَ اَكْتُبُ» است که به معنای قضاء و تقدیر در آینده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸: ۲۷۳).

۴-۲-۱-۴. حرکت به سوی تجارت / لهو

نمونه دوم در آیه «وَ اِذَا رَاوْا تِجَارَةً اَوْ لَهْوًا اِنْفَضُّوْا اِلَيْهَا» (جمعه: ۱۱) مشاهده می‌شود. گرچه حرکت پیکر (مردم نمازگزار) در حقیقت به سوی مکان خرید و فروش یا کاروان تجاری،

یک حرکت فیزیکی است، اما در اینجا مقصد حرکت، مکانی استعاری، یعنی تجارت و لهُو است. توجه به این نکته ضروری است که مکان تجارت یا بازار، غیر از خود تجارت است و آیه مورد بحث اصل تجارت را مذمت نکرده، بلکه از تجارت و لهُو به عنوان مقصد حرکت پیکر، سخن گفته و حرف اضافه‌ی اِلی برای باز نمود مکان غیر مادی به کار رفته است.

نکته دیگر درباره مفهوم فعل اِنْفَضُوا است که در اصل لغت، به معنای پراکنده و متفرق شدن پس از اجتماع، از طریق شکستن عهد و همراه با پریشانی است (ابن منظور، ۱۴۱۰، ۲۰۷:۷؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ۹: ۱۰۳، ۱۰۴). بر اساس شأن نزول آیه، دقیقاً همین واقعه رخ داده و مردم با رها کردن پیامبر (ص) در هنگام خطبه نماز جمعه، به سراغ کاروان تجاری رفته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹: ۲۷۳)؛ لذا باز نمود رویداد حرکت در این آیه، با استفاده از مؤلفه‌های پیکر (مسلمانان)، فعل حرکتی شیوه نما (انفضوا) و مقصد حرکت (حرف اِلی) صورت گرفته و به این ترتیب، تصویر دقیقی از واقعه در رو ساخت آمده و می‌توان دریافت گرچه مسیر حرکت مردم به سوی کاروان تجاری بوده و ظاهراً مقصد یکسانی را دنبال می‌کردند، اما به سبب رها کردن پیامبر و نماز جمعه، که عامل اتحاد و انسجام ایشان بوده، دچار تشتت و پراکندگی شده‌اند. پس، با هم آبی حرف اِلی و فعل حرکتی اِنْفَضُوا در این آیه نه مفهوم مسیر واحد، بلکه حرکت در جهات متشتت و چندگانه را باز نمایی می‌کند و در این موارد، استعاره سبب بسط معنایی حرف اضافه‌ی اِلی شده است.

۴-۲-۱-۵. حرکت به سوی آموزش

در آیه سابقُوا اِلی مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ (الحدید: ۲۱) مفهوم حرکت به سمت جلو با فعل سَبَقَ و حرف اِلی واژگانی شده است. این فعل در اصل لغت، به معنای پیشی گرفتن در حرکت و جلو رفتن یک چیز نسبت به دیگری است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۵: ۴۱). مسابقه به معنای غلبه جویی بر حریف، برای رسیدن به هدف است؛ یعنی هر یک از دو طرف مسابقه حرکت خود را سریعتر از حرکت حریفش کند تا در نهایت بر او پیروز شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹: ۱۶۵). پس، در این آیه حرف اِلی جهت و مکان خاصی در جلو یا عقب را مشخص نمی‌کند، بلکه حرکت و تلاش برای پیش افتادن در تمامی وجوه و در نهایت، برای نیل به آموزش پروردگار و بهشت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۳: ۳۵۹).

۲-۲-۴. زمان

یکی دیگر از مفاهیم پیش‌نمون حرفِ اِلی، غایت زمانی است. در آیاتی مانند «وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» (لقمان: ۲۹) یا (الشوری: ۱۴) مفهوم حرفِ اِلی، حرکت به سوی مقصد مکانی نیست، بلکه همانگونه که در بخش مبانی نظری اشاره شد، حرفِ اِلی می‌تواند علاوه بر حرکت فیزیکی، بر معانی انتزاعی مانند انتهای زمان نیز به کار رود. در آیه اول (لقمان: ۲۹) پیکر متحرک، خورشید و ماه است و استفاده از فعلِ یجری که در اصل لغت، به معنای روان‌شدن در سرازیری، سریع رفتن و همراه با نوعی شکافتن مسیر است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱: ۴۴۸؛ موسی، ۱۴۰۷، ۱: ۲۶۲) نشان‌دهنده حرکتِ پیکر است. بر اساس پژوهش‌های نوین علمی، خورشید و ماه هم به عنوان یکی از اجرام آسمانی در مدار خاص خود، دارای حرکات دورانی (وضعی/انتقالی) هستند و هم به عنوان عضوی از مجموعه کیهکشان راه شیری، حرکت می‌کنند (Clark: 2009; Greathouse: 2007). روشن است که حداقل یکی از انواع حرکات‌های ماه و خورشید، حرکت دورانی یا به عبارتی شناور است (كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ/یس: ۴۰) پس، این جریان داشتن لزوماً بر حرکت مستقیم و خطی دلالت ندارد و به این ترتیب، معنای جدیدی از حرف اضافه اِلی در روستاخت کلام، در نحوه حرکت بازنمایی شده و آن، حرکت در جهت‌های مختلف تا رسیدن به مقصد (زمانی) است. به علاوه، مقصد این حرکت بر اساس حرف اضافه اِلی و مفهوم أَجَلٍ مُّسَمًّى (زمان معین شده)، به زمان اشاره دارد، نه مکان؛ یعنی مقصدی که اِلی آن را بازنمایی می‌کند، از سنخ زمان است، زیرا پیش از قیامت، عمر آسمان و زمین و به تبع آن، خورشید و ماه تمام می‌شود (الزمر: ۶۷). به این ترتیب، عنصر متحرک (پیکر) پس از طی مسیر (یجری) در زمان مشخص شده به مقصد می‌رسد و حرفِ اِلی، مفهوم حرکت تا زمان مشخص را در روستاخت، واژگانی کرده است.

۲-۲-۴.۳. حالت

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مفاهیم حرف اضافه اِلی در دو بخش قبلی یعنی انتهای غایت مکان و زمان، با دیدگاه کلاسیک مشترک بودند، اما در رویکرد زبان‌شناسی شناختی، این شبکه معنایی در حال تولید و شکل‌دهی مفاهیم و لایه‌های معنایی جدیدی برای حرف اضافه اِلی است. بررسی حروف اضافه افعال حرکتی با مفهوم رفتن نشان می‌دهد که حرفِ اِلی

علاوه بر باز نمود مفاهیم مکان و زمان، به تبیین حالات مختلف نیز پرداخته است. این حالات مختلف را می‌توان در دو بخش حالات روانی و جسمانی دسته‌بندی کرد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۴-۲-۳-۱. حالات روانی: ترس، سرزنش

در آیات «لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ» (ابراهیم: ۴۳) و (الأنبياء: ۶۴)، مفاهیم ترس، پشیمانی و سرزنش خویش (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۲: ۸۲ و ۱۴: ۳۰۲) به کمک افعال حرکتی و حرف اضافه‌ی، در روساخت، واژگانی شده است. در آیه اول (ابراهیم: ۴۳)، به اوضاع ظالمان در روز قیامت اشاره می‌کند که از هول و هراس قیامت، چشمهایشان خیره و پلک‌ها بدون حرکت است و نمی‌توانند چشمهایشان را حرکت دهند (طریحی، ۱۳۷۵، ۳: ۴۷) که این حالت ظالمان را با استفاده از فعل «يَرْتَدُّ» و حرف «إِلَى» در روساخت باز نمود می‌دهد. فعل «يَرْتَدُّ» در باب افتعال و دارای معنای مطاوعه است و دلالت بر اختیار فاعل در وقوع و انجام فعل دارد، اما گویی در قیامت حتی اختیار حرکت چشم و پلک‌زدن نیز که کاری بسیار آسان و بی‌اهمیت است، از ظالم گرفته می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۴: ۱۰۶). چشم در اینجا به مثابه پیکر، در نظر گرفته شده و ایستایی و عدم حرکت اختیاری چشم، باز نمود حالت ترس و بهت در روساخت واژگانی است.

همچنین در آیه «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ» (الأنبياء: ۶۴) که درباره ماجرای بت‌شکنی ابراهیم (ع) است، مردم پس از مشاهده تبر بر دوش بت بزرگ و شنیدن استدلال ابراهیم (ع)، مبنی بر اینکه اگر این بت‌ها قادر به تکلم هستند، از خودشان بپرسید که چه کسی آنان را خرد کرده است، به وجدان خویش بازگشته و خود را برای بت‌پرستی سرزنش می‌کنند و این مفهوم در لفظ، با فعل حرکتی «رَجَعُوا» و حرف «إِلَى» واژگانی شده است. چنان‌که قبلاً اشاره شد، «رَجَعُوا» بازگشت به نقطه شروع حرکت است، پس بت‌پرستی با فطرت انسان فاصله دارد و اگر انسان به فطرت خود بازگردد (نقطه شروع) این عمل نزد او قبیح و ظلم تلقی می‌شود، همان‌طور که ادامه آیات نیز مؤید این نکته است (ابراهیم: ۶۴).

۴-۲-۳-۲. حالات جسمانی: بسته شدن چشم از خستگی

بررسی افعال حرکتی «رَفَعُوا» نشان می‌دهد در یک مورد، فعل حرکتی «يَنْقَلِبُ» برای خستگی و فروافتادن چشم، به کار رفته است. در سوره ملک به انسان توصیه می‌کند برای درک

ربوبیت عامّ خداوند بر تمام عالم، شگفتی‌های خلقت از جمله آسمان (الملک: ۳) را مشاهده کند و نتیجه را هم اعلام می‌کند؛ یعنی در نهایت، چشم انسان ناکام و خسته باز می‌گردد، بدون آنکه هیچ نقص و بی‌نظمی در خلقت جهان یافته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹: ۳۵۱). فعل **يُنْقَلِبُ إِلَيَّ** به معنای برگشتن از جهتی به جهت دیگر است و در اینجا یعنی چشم، از شدت خستگی قوای خود را از دست می‌دهد، فرو می‌افتد و بسته می‌شود و دیگر قادر به ادامه کار خود نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۲). پس، **إِلَى** در اینجا مفهوم مکان یا زمان یا مانند آن را ندارد، بلکه عدم کارکرد و بی‌فایده بودن حرکت پیکر متحرک، یعنی چشم را در روستاخت باز نمود می‌کند.

۴-۲-۴. جهت

یکی دیگر از بارزترین مؤلفه‌های موجود در افعال حرکتی که با کاربرد معنای حرف اضافه **إِلَى**، در روستاخت واژگانی می‌شود، جهت حرکت است. بررسی افعال حرکتی، پنج گونه مختلف از کاربرد حرف **إِلَى** (بیرون، درون، بالا، عقب و تغییر جهت) را در آیات نشان می‌دهد.

۴-۲-۴-۱. بیرون

در آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ» (الحجرات: ۵) به رفتار ناشایست گروهی از مسلمانان اشاره دارد که پیامبر (ص) را با فریاد بلند از پشت درب خانه ایشان صدا زده و رعایت ادب نمی‌کردند، لذا این آیه به مسلمانان می‌فرماید بهتر است صبر کنند و پیامبر (ص) را صدا نزنند، تا خود پیامبر برای دیدنشان از خانه خارج شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸: ۳۱۱). فعل **خَرَجَ**، مسیر حرکت به سمت بیرون را بازنمایی می‌کند و حرف اضافه **إِلَى** نشان می‌دهد که مسلمانان باید صبر کنند تا پیامبر شخصاً به قصد ملاقات و پاسخ به سؤالات آنان، از خانه بیرون آید (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۳: ۲۹۶) یعنی شخص پیامبر اکرم در جایگاه پیکر در رویداد حرکت، از مبدأ (خانه) بیرون می‌رود و در این رویداد حرکت، جهت حرکت پیکر در روستاخت، به سمت بیرون و حضور در جمع مسلمانان است.

۲-۴-۲-۴. درون

در برخی آیات، حرفِ اِلِیْ به جهت حرکت پیکر از بیرون به درون اشاره دارد، مانند آیه «وَأَرْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ» (الأنبياء: ۱۳). این آیه به ستمگرانی که با احساس نزدیک شدن عذاب فرار کرده بودند، با لحنی توبیخ آمیز دستور می‌دهد که فرار بی‌فایده است، پس به خانه‌های خود (مکان عیش و اتراف) برگردید. حرفِ اِلِیْ جهت حرکت پیکر (ستمگران) از بیرون به درون را در رو ساخت واژگانی کرده است.

۲-۴-۳-۴. بالا

در میان فعل‌های حرکتی، از غیبت حضرت عیسی (ع) به رَفَع تعبير شده است: «رَافِعُكَ اِلَيَّْ» (آل عمران: ۵۵). مادهٔ يَرْفَعُ به معنای از زمین برداشتن و بالا بردن است، خلاف وضع و بر زمین نهادن (ابن منظور، ۱۴۱۰، ۸: ۱۲۹). خداوند در اینجا فرمود تو را عروج می‌دهم، زیرا عروج، رسیدن به منتها درجه است، بلکه فرمود تو را بلند کرده و به سوی خودم (اِلَيَّْ) بالا می‌آورم. این حرکت، هم نوعی اعجاز در ادامهٔ معجزات عیسوی، مانند زنده کردن مرده، شفای بیمار و مانند آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵: ۱۳۳) و هم شبهه قتل عیسی (ع) را به کمک ابزار زبان‌شناختی و استفاده از نظریهٔ رویداد حرکت، منتفی می‌کند. باهم آبی حرف اضافه‌الی و فعل رَفَعَ بیانگر این است که حرف اضافهٔ اِلِیْ، همیشه مقصد را نشان نمی‌دهد، بلکه طول مسیر و جهت حرکت، یعنی سمت بالا را باز نمود می‌کند؛ لذا حرکت پیکر، عبارت است از برداشتن پیکر از روی زمین و به جهت بالا رفتن، اما مقصدی بازنمایی نشده است. پس، مفهوم اِلِیْ در اینجا همان طول و جهت مسیر است، نه مقصد.

۲-۴-۴-۴. عقب

در آیاتی که به ماجرای بازگرداندن موسی (ع) به مادرش در طفولیت می‌پردازد، در هر دو آیهٔ سوره قصص «فَرَدَدْنَاهُ اِلَىٰ اُمِّهِ» (القصص: ۷) و (القصص: ۱۳)، فعل رَدَّ به همراه حرف اضافهٔ اِلِیْ مشاهده می‌شود. رَدَّ بازگشت به عقب و در برخی موارد، بازگشت به ذات و منشأ هر چیز است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲: ۳۸۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ۴: ۶۰). این مفهوم با آنچه در ماجرای موسی واقع شده، متناسب است، زیرا موسی (ع) در جایگاه پیکر و مادر موسی مقصد این حرکت یا به عبارتی همان ذاتی است که عقبه و منشأ پیدایش موسی تلقی می‌شود، لذا مسیری که پیکر برای رسیدن به مقصد طی می‌کند، حرکت به سوی عقب است.

۴-۲-۴. تغییر جهت

یکی دیگر از مفاهیمی که به کمک حرفِ اِلی و فعل حرکتی خَرَجَ در رو ساخت زبانی در قرآن، باز نمود یافته، تغییر جهت حرکت یا به عبارتی خروج از یک مسیر و ورود به مسیر دیگر است. در آیه ۲۵۷ سوره بقره، یعنی «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» و «يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» دو مسیر حرکتی وجود دارد که عبارتند از نور و ظلمت، که پیکر (الَّذِينَ آمَنُوا/الَّذِينَ كَفَرُوا) از یکی از این دو مسیر بیرون می آید و وارد مسیر دوم می شود؛ لذا اِلی در اینجا به معنای فی یا وارد شدن و ادامه حرکت در مسیر جدید، پس از تغییر جهت است. این جابجایی مسیر مؤمن و کافر و تعبیر آن به راه (سُبُل/صراط) و قرار گرفتن و حرکت در این مسیر (هدایت)، در خود قرآن نمونه‌های دیگری نیز دارد (المائدة: ۱۶).

۴-۲-۵. معنای عند

بررسی شبکه معنای حرف اضافه اِلی، نمونه مشترک دیگری با دیدگاه کلاسیک را در مفهوم «عند» باز نمود می کند. به عنوان مثال در آیه «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا» (الأعراف: ۱۵۰) یا (یوسف: ۵۰) مقصد، مفهوم مکانی دارد (نزد قوم/نزد پادشاه) و پیکر (موسی/ع)/فرستاده پادشاه مصر) نیز پس از طی مسیر و رسیدن، در مقصد توقف می کند و مأموریتی را به انجام می رساند (سرزنش قوم به خاطر گوساله پرستی/ ابلاغ پیام یوسف نبی). همان گونه که در دیدگاه کلاسیک هم اشاره شد، علاوه بر معنای مقصد مکانی که در بخش انتهای مکانی اشاره شد و اینکه این دو مفهوم به سبب دلالت بر مکان، دارای همپوشانی هستند، مفهوم عند از اِلی قابل برداشت است.

۵. بحث و نتیجه گیری

در قرآن کریم هر یک از حروف اضافه، دارای شبکه معنایی گسترده‌ای هستند که مطالعات موجود مؤید آن است، اما وجه تمایز این پژوهش، در نوع نگاه به موضوع شبکه معنایی حروف اضافه است؛ یعنی علاوه بر اینکه می توان با تمرکز بر حروف اضافه، به استخراج شبکه معنایی آن در قرآن کریم پرداخت، از طریق بررسی ارتباط شبکه معنایی فعل‌ها و حروف اضافه‌ایی که در گروه‌های اسمی مختلف، همراه فعل برای باز نمود رویدادهای مختلف به ویژه رویداد حرکت وجود دارند و نیز چگونگی کار بست حروف اضافه در بافت قرآنی را می توان بررسی کرد. این رویکردی است که مقاله حاضر در پیش گرفته و بر اساس

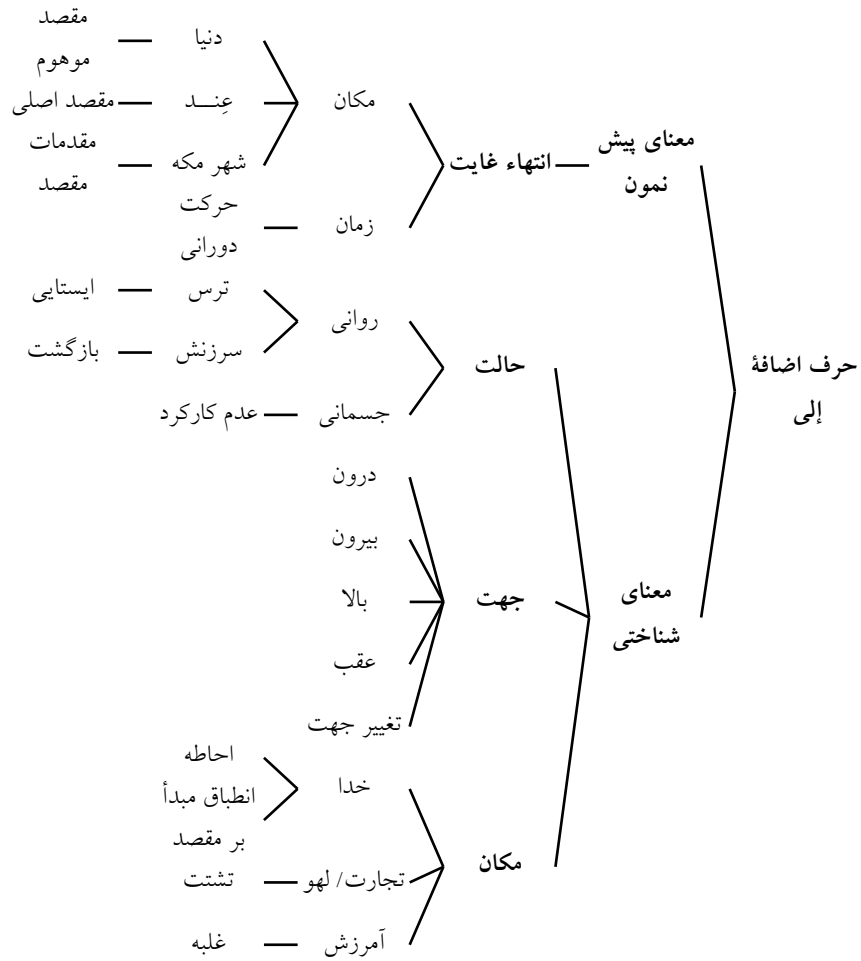
نظریه واژگانی‌شدگی تالمی، ابتدا به بررسی افعال حرکت «رفتن» پرداخته است و سپس، شبکه معنایی حروف اضافه و به شکل اختصاصی حرف اضافه‌ی را مورد پژوهش قرار داده است.

هم داده‌های گوناگون این مقاله که در نمودار شماره ۲، درباره‌ی بسامد حروف اضافه‌ی افعال حرکتی مانند فی، من و جز آن ارائه شد و هم سایر افعال حرکتی، مانند آمدن، می‌تواند موضوع پژوهش و مقالات فراوان دیگر از این سنخ باشد و البته، یکی از مهم‌ترین فواید این نوع نگاه به حروف اضافه، دستیابی به شبکه‌های معنایی چند وجهی در لایه‌های زیرین معنایی حروف اضافه و تبیین‌های دقیق‌تری از آیات است.

در مقایسه شبکه معنایی به دست آمده از رویکرد شناختی با رویکرد کلاسیک، مشخص شد که علاوه بر مشابهت در دو مفهوم انتهای غایت مکان/زمان، در رویکرد شناختی لایه‌های معنایی جدیدی مانند حالت و جهت نیز وجود دارند.

چنانکه در پژوهش حاضر مشاهده شد، اطلاعات مربوط به مقصد حرکت، به وسیله حروف اضافه‌ی را به عنوان پرکاربردترین حرف در افعال حرکتی فعل رفتن، رمزگذاری و به این ترتیب، رویدادها به برش‌های کوچکتری تقسیم می‌شوند و از هر یک، تصویری خاص ارائه می‌گردد. در افعال حرکتی که در آنها حرف اضافه‌ی را در رساخت بازنمایی شده بود، جهت حرکت و مقصد (انتهای غایت مکان/زمان) برجسته است و در نهایت، از کنار هم قرار دادن تمامی مؤلفه‌های بازنمود شده در رساخت، شبکه معنایی کامل‌تری از نقش حرف اضافه‌ی را در رویداد حرکت بازنمایی می‌شود که هر یک، در این شبکه معنایی به صورت قاعده‌مند با یکدیگر پیوند دارند. نمودار زیر این شبکه معنایی قابل مشاهده است.

نمودار ۲. شبکه معنایی حرف اضافه «إلی» در رویداد حرکتی رفتن



تعارض منافع

تعارض منافع ندارم .

سپاسگزاری

از استاد فاضل و اندیشمند سرکارخانم دکتر فتحیه فتاحی زاده، استاد محترم میزبان طرح پژوهشی در دانشگاه الزهراء(س) صمیمانه سپاسگزارم.

ORCID

Fatemeh Habibi



<http://orcid.org/0000-0003-0770-5890>

Fathiyeh Fattahizadeh



<http://orcid.org/0000-0003-1633-0955>

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی. (۱۳۷۳). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. تحقیق هارون عبدالسلام. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۰). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن هشام انصاری، ابی محمد عبدالله. (۱۴۰۴). مغنی اللیب عن کتب الأعاریب. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله. (بی تا). الفروق فی اللغة. بیروت: دارالآفاق الجدیة.
- زهري، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اصفهانی قائی، سیدمرتضی. (۱۳۹۰). کاوش های نحوی و ادبی. قم: دارالفکر.
- افراشی، آریتا. (۱۳۹۵). مبانی معناشناسی شناختی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایمانی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی معانی حروف اضافه در متن قرآن مجید. رساله دکتری زبان شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ایمانی، محمود، منشی زاده، مجتبی (۱۳۹۴). بررسی شبکه معنایی حرف «فی» و اهمیت آن در ترجمه قرآن از منظر معنی شناسی شناختی. مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۲(۴): ۳۳-۶۴.
- توکل نیا، مریم، حسومی، ولی الله. (۱۳۹۷). بررسی شبکه معنایی حرف اضافه علی در قرآن بارویکردشناختی. آموزه های قرآنی، ۲۸: ۲۲۸-۲۰۳.

- جاسم سلمان، علی. (۲۰۰۳). *موسوعه معانی الحروف العربیه*. عمان: دار اسامه.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۶۹). *فرهنگ موضوعی قرآن مجید*. ترجمه کامران فانی. تهران: الهدی.
- خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۷۲). *دستور زبان فارسی*. تهران: کتابفروشی تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ القرآن*. دمشق: دارالقلم.
- صفایی، غلامعلی. (۱۳۸۷). *ترجمه و شرح معنی الأدیب*. قم: قدس.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع‌البیان فی علوم القرآن*، تهران: ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع‌البحرین*. تحقیق سیداحمد حسینی. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد. (۱۳۶۴). *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*. تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
- قائم‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۰). *معناشناسی شناختی قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کریمی بروجنی، مدینه، قائمی‌نیا، علیرضا، پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۶). *بازنمایی طرحواره نیرو در گزاره‌های دینی و اخلاقی زبان قرآن*. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۹(۲): ۷۷-۹۷.
- گنجی، نرگس، کاظمی نجف‌آبادی، سمیه. (۱۳۸۹). *مصاحبت در معانی حروف جرّ عربی و حروف اضافه فارسی*. *بوستان ادب*، ۲(۱۱۹): ۱۳۰-۱۴۵.
- مسگرخویی، مریم. (۱۳۹۲). *بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی*. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکین فام، بتول، دهقانی نیسانی، اعظم. (۱۳۹۷). *بررسی شناختی شبکه معنایی حرف «ثم» در قرآن کریم*. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۷(۲): ۱-۱۶.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۲ش). *تفسیرنمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موسی، حسین یوسف. (۱۴۰۷). *الإفصاح فی فقه اللغه*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- میرخالقداد، فاطمه. (۱۳۹۷). *کیفیت مفهوم‌سازی رویدادهای پویا و ایستا در قرآن با رویکرد شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، سیستان و بلوچستان: دانشکده الهیات.

Resources

- Abdul Baqi, M. F. (1985). *Dictionary for the Words of the Holy Quran*. [In Persian]
- Abu Hilal Askari, H. A. (unpublished). *Alforugh fi Alloghah*. [In Persian]

- Afrashi, A. (2016). *Fundamentals of Cognitive Semantics*. First Edition, Tehran. [In Persian]
- Azhari, M. (2000). *Tahzib aloghah*. Dar Ahya Torath-e Alarabi. [In Persian]
- Berman, R, & Slobin, D. (1994). *Relating Events in Narrative: A Crosslinguistic developmental Study*. Lawrence Erlbaum Associates.
- Clark, John D. (2009). *Measure Solar System Objects and Their Movements for Yourself*. Springer Science & Business Media.
- Evans, V. & Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh University Press.
- Ganji, N. & Kazemi Najafabadi, S. (2010). Companionship in the meanings of Arabic letters and Persian prepositions. *Garden of Literature*, 2(3), 119-136. [In Persian]
- Geeraerts, D. (2006). *Words and Other Wonders: Papers on Lexical Semantic Topics*. Mouton de Gruyter.
- Ghaemina, A. (2011). *Cognitive semantics of the Quran*. Research Institute Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Greathouse, L. (2007). *The Wonder of Our Solar System*. Teacher Created Materials.
- Hickmann, M. & Tarann, P. & Bonnet, P. (2009). Motion in first language acquisition” Manner & Path in French & English child language. *Journal of Child Language*, 36(4), 705-741.
- Holy Quran. translated by Makarem Shirazi, N. [In Persian]
- Ibn Hisham Ansari, A. M. A. (1404). *Mughni Al-labib from the Books of the Arabs*. Library of Aytollah Marashi Najafi. [In Persian]
- Ibn Manzur, M. (1990). *Arabic language*. Dar Sader. [In Persian]
- Ibn-e Faris, A. (1984). *Dictionary of Language Comparisons*. Haroon Abdul Salam. Maktab Alalam Aleslami. [In Persian]
- Imani, M & Monshizadeh, M. (2015). Study of the semantic network of the letter "fi" and its importance in translating the Qur'an from the perspective of cognitive semantics. *Quran and Hadith Translation Studies*, 2(4), 33-64. [In Persian]
- Imani, M. (2016). *Examining the meanings of prepositions in the text of the Holy Quran*. PhD Thesis in General Linguistics, Allameh Tabatabai University. [In Persian]
- Isfahani Ghaeni, M. (2016). *Syntactic and literary explorations*. Dar Alfikr [In Persian]
- Jassim Salman, A. (2003). *Encyclopaedia of Arabic Letters*. Dar Osama. [In Persian]

- Karimi Borujeni, M.; Ghaemi Nia, A. & Poorabrahim, Sh. (2017). Representation of the schema of force in the religious and moral propositions of the language of the Qur'an. *Linguistic Research*, 9(2), 77-97. [In Persian]
- Khayyampour, A. (1993). *Persian Grammar*. [In Persian]
- Khorramshahi, B. (1990). *Thematic culture of the Holy Quran*. Translated by Kamran Fani, Alhoda. [In Persian]
- Lakoff, G.; Johnson, M. & Turner, M. (1989). *More Than Good Reason: A FieldGuide to Poetic Metaphor*. University of Chicago Press.
- Makarem Shirazi, N. (1993). *Interpretation*. Dar Alkutub Aleslamiyah. [In Persian]
- Mesgarkhoei, M. (2013). *Representation of the Movement Event in Persian: A Cognitive Approach*. PhD Thesis in General Linguistics, Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Meshkin Pham, B. & Dehghani Nisyani, A. (2018). Cognitive study of the semantic network of the letter "Thum" in the Holy Quran. *Linguistic Research*, 7(2), 1-16. [In Persian]
- Mirkhalqadad, F. (2018). *The Quality of Conceptualizing Dynamic and Static Events in the Qur'an with a Cognitive Approach*. Master Dissertation in Quran and Hadith, Sistan and Baluchestan University. [In Persian]
- Musa, H. (1976). *Eloquence in the Jurisprudence of the Language*. Maktab Ala'lam Aleslami. [In Persian]
- Mustafavi, H. (1430). *Research in the Words of the Holy Quran*. Dar Alkutun Aleslamiyah. [In Persian]
- Ragheb Isfahani, H. (1981). *Glossary of Quranic words*. Dar Alghalam. [In Persian]
- Ryding, K.C. (2005). *A Reference Grammar of Modern Standard Arabic*. Cambridge University Press.
- Safaei, G. (2008). *Translation and Explanation of Mughni Al-Adib*. Qods. [In Persian]
- Slobin, D. (2004). The many ways to search for a frog. In S. Strömqvist and L. Verhoeven (eds.), *Relating Events in Narrative (Vol. 2. Typological and Contextual Perspectives)*, pp. 219–257. Lawrence Erlbaum.
- Tabarsi, F. (1993). *Assembly of Statement in Quranic Sciences*. Nasir Khusrow. [In Persian]
- Tabatabai, M. (1997). *Al-Mizan Fi Tafsir al-Quran*. Qom Seminary [In Persian]
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics*. Vol. 2. MIT Press.

- Tarihi, F. (1996). *Bahrain Complex*. Seyed Ahmad Hosseini. Mortazavi. [In Persian]
- Tavakolnia, M. & Hassumi, W. (2018). Study of the semantic network of causal prepositions in the Qur'an on cognitive function. *Quranic Teachings*, 28, 203-228. [In Persian]

استناد به این مقاله: حبیبی، فاطمه، فتاحی زاده، فتحیه. (۱۴۰۰). شبکه معنایی حروف اضافه رویداد حرکتی «رفتن» در قرآن کریم: مطالعه موردی حرف «إلی». *علم زبان*، ۸ (۱۴)، ۸۹-۱۱۷. Doi: 10.22054/ls.2021.54502.1370



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.